



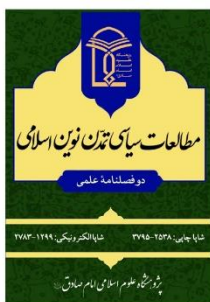
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3793-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number : 8



Investigating the Civilizational Thought of Shahid Beheshti in the Jurisprudential- Political Dimension

Arman Forouhi* , Mohadeseh Ghanbari**

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.459224.1114>

Received: 2024/03/17 - Accepted: 2024/10/07

Type of Article: Research

(146-161)

Abstract

Modern Islamic civilization is one of the concepts discussed in the current era that seeks to modernize Islamic civilization based on Islamic teachings. The Islamic Revolution of Iran can be considered one of the practical steps to achieve this goal. One of the founders and intellectual supporters of this revolution is Ayatollah Seyyed Mohammad Beheshti; although his thoughts from the perspective of modern Islamic civilization have not yet been examined. In this research, we seek to find an answer to the question of how he, as a prominent political figure, viewed Islamic civilization in the ideological dimension and what components he believed in for Islamic civilization. Based on the findings of the research, although Shahid Beheshti did not openly comment on Islamic civilization, there is a significant relationship between his thoughts and actions and the components of civilization based on his remaining scientific works and revolutionary struggles. In the theoretical dimension, he believed in a philosophical explanation of monotheistic politics and has considered the political thought of government in Islam and examples of sovereignty in it. In a practical sense, Shahid Beheshti was one of the pioneers of Islamic civilization from a political perspective during his lifetime; in a way that, while creating civil institutions in the Islamic system, he also implemented the political jurisprudence of Islam in society.

Keywords: Shahid Beheshti, New Islamic Civilization, Jurisprudence, Politics.

*. Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding author), A.Forouhi@meybod.ac.ir..

**.. MA in Iranian Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran, z.ghanbari95@yahoo.com.



بررسی اندیشه تمدنی شهید بهشتی در بُعد فقهی-سیاسی

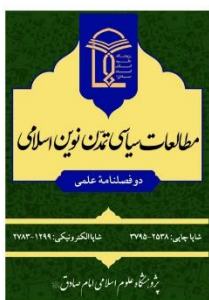
آرمان فروهی*، محدثه قنبری**

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.449061.1103>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۶۱-۱۴۶)



چکیده

تمدن‌سازی نوین اسلامی از مفاهیم مطرح در دوران کنونی هست که در پی نوسازی تمدن اسلامی بر پایه آموزه‌های اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان یکی از گام‌های عملی برای تحقق این هدف دانست. از بنیانگذاران و پشتوانه‌های فکری این انقلاب آیت‌الله سیدمحمد بهشتی است؛ هرچند اندیشه‌های ایشان از بُعد تمدن‌سازی نوین اسلامی هنوز بررسی نشده است. در این پژوهش، در پی یافتن پاسخ به این پرسش هستیم که ایشان به‌عنوان شخصیت سیاسی برجسته، در بعد اندیشه‌ای چه نگاهی به تمدن اسلامی داشته و چه مؤلفه‌هایی برای تمدن‌سازی اسلامی قائل بودند. براساس یافته‌های پژوهش، اگرچه شهید بهشتی آشکارا درباره تمدن اسلامی اظهارنظر نکرده است، ولی براساس آثار علمی به‌جامانده و نیز مبارزه‌های انقلابی ایشان، میان اندیشه و عملشان با مؤلفه‌های تمدن‌سازی نسبت معناداری وجود دارد. ایشان در بُعد نظری به تبیین فلسفی از سیاست توحیدی قائل بود و اندیشه سیاسی حکومت در اسلام و مصادیق حاکمیت در آن را موردتوجه قرار داده است. در بُعد عملی نیز شهید بهشتی از پیش‌تازان تمدن‌سازی اسلامی از منظر سیاسی در زمان حیات خود بود؛ به‌گونه‌ای که ضمن ایجاد نهادهای مدنی در نظام اسلامی به پیاده‌سازی فقه سیاسی اسلام در جامعه اقدام کردند.

واژگان کلیدی: شهید بهشتی، تمدن نوین اسلامی، فقه، سیاست.

*. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول). A.Forouhi@meybod.ac.ir.

**. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. z.ghanbary95@yahoo.com

مقدمه

سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان ۱۳۰۷ ش در محله لومبان شهر اصفهان و در خانواده‌ای روحانی متولد شد. در سال ۱۳۲۱ ش برای تحصیل معارف اسلامی، دوره دبیرستان را رها کرد و به حوزه صدر اصفهان رفت. بهشتی در ۱۳۲۵ ش برای تکمیل تحصیلات خویش راهی قم شد و پس از یک سال، تحصیل درس خارج فقه را در محضر استادانی چون حضرت امام خمینی ره، آیت الله محقق داماد، آیت الله بروجرودی و آیت الله خوانساری درک کرد. ایشان سپس برای ادامه تحصیلات غیرحوزوی خویش وارد دانشگاه معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) شد و سرانجام موفق شد در سال ۱۳۳۸ ش از رساله دکترای خویش در رشته فلسفه دفاع کنند. ایشان همچنین در محضر استادانی چون علامه محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، فلسفه را فراگرفتند (کردی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۹).

شهید بهشتی در زمینه فقه نیز سرآمد بود. مقام معظم رهبری در شأن و جایگاه فقهی ایشان می‌فرمایند: «ایشان در علوم فقهی و فلسفی متبحر بودند. مطمئناً اگر ایشان در حوزه می‌ماندند، یکی از مراجع تقلید مسلم زمان می‌شدند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۳). تسلط و اشراف شهید بهشتی در فقه، ویژگی شاخص و پیوسته‌ای بود؛ حتی حضور ایشان در آلمان مانع از غفلت و سستی در فقه و اصول و معارف سنتی نشد (مروی، ۱۳۹۲: ۴۳). شهید بهشتی نقش و اهمیت فقه در جامعه را مهم می‌دانستند و بر آن تأکید داشتند. ایشان باور داشت که فقه در جامعه به دلایلی مانند ۱- درک مسائل پیچیده و تازه، ۲- جلوگیری از دستکاری و انحراف دیدگاه‌های فقهی، ۳- احتمال انحراف کمتر در فقه و در نتیجه مصونیت و حفظ نظام در صورت وجود آنها، مهم است (عابدی اردکانی و نظری، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در سال ۱۳۴۲ به پیشنهاد امام ره، گروه چهارنفره فقهی و سیاسی تشکیل شد که شهید بهشتی نیز یکی از این اعضا بود. این گروه در همان سال، کتاب تعلیمات دینی مدارس را تغییر دادند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵: ب: ۹). ایشان در سال ۱۳۵۶ ش. تشکل روحانیت مبارز را پایه‌ریزی کردند و به گفته خودشان در پی آن بودند که تشکلی فقهی - سیاسی ایجاد کنند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵: ب: ۱۰).

شهید بهشتی از سال ۱۳۳۱ش در کنار فعالیت‌های علمی و فرهنگی خویش وارد جریان‌ها و مبارزه‌های سیاسی - مذهبی شدند، که ازجمله فعالیت‌های ایشان می‌توان به تأسیس دبیرستان دین و دانش در سال ۱۳۳۳، ایجاد کانون دانش‌آموزان قم، تأسیس مدرسه حقانیه یا مدرسه منتظریه به منظور اصلاح نظام درسی و برنامه‌ای حوزه علمی، همکاری با هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، تشکیل شورای فقهی و سیاسی به فرمان امام خمینی (ره)، اعزام به آلمان و ایجاد اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی‌زبان در مرکز هامبورگ، تشکیل جامعه روحانیت مبارز، پایه‌ریزی شورای انقلاب، و حضور پررنگ در راهپیمایی‌ها و مبارزات علیه رژیم پهلوی مانند راهپیمایی تاسوعا و عاشورا اشاره کرد که نشان از حضور فعال ایشان در مبارزات سیاسی و مذهبی در سال‌های پیش از انقلاب دارد. شهید بهشتی در مقطعی که به آلمان هجرت کردند، فعالیت‌های سیاسی، فقهی و دینی و فرهنگی ایشان نیز ادامه داشت. ایشان با سازماندهی مسجد هامبورگ، تأسیس هسته اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی‌زبان اروپا، سعی داشت تا دانش و معرفت و مهارت بحث گروهی نیروها و گروه‌های اسلامی را درمقابل اندیشه‌ها و ایدئولوژی مارکسیستی بالا ببرند و از این راه خود نیز به تشریح ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌پرداختند (لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۱۶۰ - ۱۶۱).

با نگاهی به آثار و کتاب‌های شهید بهشتی می‌توان به این نتیجه رسید که ایشان در حوزه‌های علمی، فقهی، اجتماعی و سیاسی دارای نظر و اندیشه بوده‌اند و دیدگاه‌های نو و متناسب با مقتضیات زمانه ارائه داده‌اند؛ آثاری همچون اقتصاد اسلامی، اهمیت شیوه تعاون، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، بلیدها و نبلیدها، بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، بهداشت و تنظیم خانواده، التوحید فی القرآن، قسم الدراسات الاسلامیه، حج در قرآن، خدا از دیدگاه قرآن، شناخت از دیدگاه قرآن، شب قدر، موسیقی و تفریح در اسلام، مبانی نظری قانون اساسی، نقش آزادی در تربیت کودکان، نماز چیست؟، سه گونه اسلام، حق و باطل (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۰۵). تأملی در برخی از این آثار به‌خوبی گویای نقش تمدن‌سازی حاکم بر آثار ایشان است که در ادامه خواهد آمد.

شهید بهشتی در کتاب نقش آزادی در تربیت کودکان افزون بر مباحث تربیتی بر مبنای تربیتی اسلام و سلسله مباحث تفسیر قرآن، به جامعه و نظام سیاسی انقلاب اسلامی و پس از آن پرداخته و آزادی و اختیار را از موهبت‌های خداوند برای انسان برشمرده، و مشکلات جامعه و چگونگی حل آنها را در قالب طرح تربیت کودکان بیان کرده است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۵-۸). کتاب «خدا از دیدگاه قرآن» یکی دیگر از آثار ارزشمند ایشان است و از پژوهش‌های ماندگار ایشان در حوزه توحید و خداشناسی شمرده می‌شود. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ ج: ۱۰-۵). کتاب «بانکداری، ربا و قوانین مالی در اسلام» از دیگر مباحث تفسیری شهید بهشتی است که به پژوهش در این موضوع اقتصادی می‌پردازد. در این کتاب، آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰ سوره بقره تفسیر می‌شود که درباره رباست (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ ب: ۵-۱۰). این سه اثر در واقع به سه موضوع اساسی در جامعه‌ای متمدن و متعالی اشاره دارد؛ حاکمیت توحیدی، اقتصاد سالم و خانواده مستحکم. بنابراین می‌توان گفت در این آثار، ایشان، پی و اساس تمدن‌سازی را بر توحید، اقتصاد و خانواده قرار داده است.

کتاب محیط پیدایش اسلام مجموعه‌ای است از سلسله گفتاری که شهید بهشتی در آخرین شنبه هر ماه میلادی در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ ش در مرکز اسلامی هامبورگ است که در جمع گروهی از دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات اسلامی ایراد کرده است. این اثر که تلاشی است محققانه و ارزشمند، مباحثی را دربر دارد که نخستین آنها «روش تحقیق درباره ادیان» است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۷: ۵-۷).

کتاب سه گونه اسلام از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست شامل گفتاری از شهید بهشتی با عنوان «سه گونه اسلام» است که در سال ۱۳۵۷ ش در اتریش و در جمع دانشجویان عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا ایراد شده است. این دیدار در طول سفری چندماهه در بهار و تابستان آن سال به اروپا و آمریکا و در پی ضرورت سامان‌بخشی به حرکت‌های سیاسی مبارزان مسلمان خارج از کشور و با توجه به ورود نهضت اسلامی مردم ایران به مرحله‌ای تازه صورت گرفت. شهید بهشتی در این گفتار به تحلیل جامعه‌شناختی نهضت اسلام، موضع آیات قرآن درباره گروه‌های گرویده به آن، و پیامدها و

دستاورد‌های این بحث تاریخی برای کاربرست در شرایط آن روز نهضت اسلامی ایران می‌پردازد. بخش دوم کتاب نیز شامل گفتاری از ایشان است که در همین زمینه و در سال ۱۳۴۷، در زمان اقامت ایشان در آلمان به‌عنوان مسئول مرکز اسلامی هامبورگ، در شهر هانوفر با عنوان «مراحل اساسی یک نهضت» ایراد شده است. درحالی‌که در گفتار نخست بیشتر بر گونه‌شناسی هویتی مسلمانان تأکید شده است، گفتار دوم این گونه‌شناسی را به مراحل تاریخی نهضت‌های مسلکی متصل می‌سازد و به تشریح مراحل پنجگانه آن می‌پردازد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵ الف: ۶-۷).

کتاب ولایت، رهبری، روحانیت مجموعه‌ای از گفتارها و نوشتارهایی از شهید بهشتی درباره موضوع ولایت و ابعاد گوناگون واقعه غدیر، مسئله امامت و رهبری و نقش نهاد روحانیت است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳: ۵-۷).

کتاب موسیقی و تفریح در اسلام شامل دو گفتار از ایشان است. گفتار نخست درباره حرمت موسیقی است که در سال‌های حضور ایشان در آلمان (۱۳۴۹-۱۳۴۳) به‌عنوان امام مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ و در پاسخ به پرسشی در این باره، ایراد شده است. در گفتار دوم به دیدگاه اسلام درباره تفریح می‌پردازد، که این گفتار طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ در اردوی تابستانی مدرسه رفاه ایراد شده است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۴ الف: ۷-۸). تأملی در این طیف آثار نشان می‌دهد که شهید بهشتی برای جامعه آلمانی و برآمده از مبانی تمدنی اسلام افزون بر ارکان و زیربناها، به روبناها در قالب عبادت‌ها و تکلیف‌ها، اندیشه‌ورزی، آسیب‌شناسی مشکلات و بحران‌ها نیز باید توجه کند.

شهید بهشتی را باید یکی از طراحان و بنیان‌گذاران تفکر انقلابی و اسلامی ایران دانست که با پیروی از بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، بر ایدایت انقلاب در راستای آیین اسلام و تجدید حیات اسلامی و جلوگیری از انحراف آن کوشش می‌کرد. ایشان همواره ازسویی در پی هدایت دینی مردم و تشریح مبانی اسلامی و فقهی بودند و ازسوی دیگر در روشنگری و بیداری مردم و پایه‌ریزی بنیان‌های انقلاب اسلامی می‌کوشیدند و این دغدغه را داشتند که انقلاب اسلامی از مسیر خود منحرف نشود؛ بنابراین، دربرابر

انحراف‌ها و کژی‌ها ایستادگی می‌کردند. سرانجام در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ش در همین مسیر جانشان را تقدیم انقلاب کردند.

اندیشه و جهان‌بینی برگرفته از اسلام ازسویی، و فعالیت‌های عملی ایشان در زمینه‌های گوناگون و برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های متعدد ازسوی دیگر سبب شد که خدمات ارزشمند و مفیدی برای آغاز حرکت انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی انجام دهند. اندیشه شهید بهشتی از خصلت و سرشت نوگرایانه‌ای برخوردار است که با همین رویکرد نیز ضمن اصالت بخشیدن به سنت اسلامی، از بازسازی آن در زمینه تجدد و به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌ها و نیازهای امروزی دفاع می‌کند (زمانی، ۱۳۹۷: ۹۱).

درباره این موضوع برخی مقاله‌ها به‌عنوان پیشینه قابل‌بررسی است. نخعی زرنندی، مهربان‌پناه و معین‌آبادی بیدگلی (۱۳۹۸) در مطالعات خود بیان کرده‌اند که از نظر شهید بهشتی بحران‌های دوران معاصر ناشی از حاکمیت طاغوت و رواج اندیشه‌های مادی و غیردینی است و راه رسیدن به جامعه آرمانی را در استقرار نهاد ولایت فقیه و تحقق عدالت اجتماعی می‌داند. انصاری و خدایی داش‌تپه (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که شهید بهشتی بر این باور بود در حکومت اسلامی رابطه دولت و مردم دوسویه و مبتنی بر اعتماد متقابل است و نظام اسلامی در برابر تأمین آزادی، رفاه و حقوق فردی - اجتماعی مردم مسئولیت دارد. فیرحی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که با وجود اینکه اندیشه‌های شهید بهشتی در شکل‌گیری و پیدایش تمدن‌سازی اسلامی بسیار بااهمیت است، ولی مجموعه‌ای منسجم و مدون از نظام فکری ایشان وجود ندارد. درواقع، حضور فعال در پیروزی انقلاب اسلامی، تأسیس حزب جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی در ۱۳۵۸ فرصت تدوین و ارائه منسجم اندیشه‌های فقهی - سیاسی را از شهید بهشتی گرفت (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۸۸). براساس نتایج مطالعات و پژوهش‌هایی که درباره اندیشه‌ها و منظومه فکری شهید بهشتی انجام گرفته است، نظام فکری ایشان سرچشمه بسیاری از تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی (همچون تدوین قانون اساسی و تأسیس حزب جمهوری اسلامی) شمرده می‌شود و ایشان در پی شکل‌گیری و ایجاد تمدن‌سازی

اسلامی بوده است. با وجود آنکه تمدن‌سازی در اندیشه‌های فقهی و سیاسی شهید بهشتی برجسته بوده، ولی تاکنون در پژوهش‌هایی در این زمینه انجام نشده است. بنابراین، در این مقاله به اهمیت دیدگاه و نقش شهید بهشتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی با تأکید بر جنبه‌های فقهی و سیاسی ایشان پرداخته شده است.

۱. مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی

شهید بهشتی به‌عنوان نوگرای دینی با پذیرش اصول اساسی دین در پی بازسازی اندیشه دینی در دنیای متجدد است. از نظر شهید بهشتی تمدن‌سازی اسلامی باید براساس مبانی و اصول اسلام و قرآن شکل بگیرد و بر مبانی دین مبین اسلام متکی باشد. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی می‌پردازیم.

۱-۱. عقل‌گرایی

شهید بهشتی، که خود از دانشمندان و اندیشمندان برجسته بود، بر اهمیت خردورزی و به‌کارگیری عقل در تصمیم‌گیری‌ها و انجام امور تأکید فراوانی داشت. ایشان با تعریف «وحی»، «عقل» و «زبان» نقاط تشابه و تمایز آنها را برمی‌شمارد که جالب‌توجه است. بهشتی در این باره در کتاب پیامبری از نگاهی دیگر می‌نویسد: «قرآنی که سرتاسر دعوت به تفکر و اندیشه و تعقل می‌کند و می‌گوید عقلت را به کار بینداز تا بفهمی محمد ﷺ برحق است، آیا می‌شود گفت قرآن آمده تا بر پیشانی عقل داغ باطل بزند؟ اصلاً می‌شود این را تصور کرد؟ پس خیلی روشن است که وحی برای از میدان به‌در کردن عقل و لندیشه نیست». وی از سویی قائل به برتری وحی نسبت به عقل است و از سویی دیگر منافاتی بین این دو نمی‌بیند و بر این اساس بین عقل و وحی رابطه‌ای بنیادین برقرار می‌کند. شهید بهشتی همچنین در زمینه رابطه «علم» و «عقل» و «وحی» می‌نویسد: «وحی یک نورافکن است برای خودش، علم و عقل هم نورافکن‌هایی هستند برای خودشان؛ هم میدان مشترک دارند و هم هر کدام میدان اختصاصی» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ الف: ۱۹۱). شهید بهشتی بر این باور بود که جامعه متمدن اسلامی با تکیه بر خرد و عقلانیت تصمیم می‌گیرد. تصمیم‌گیری‌ها در جامعه متمدن اسلامی براساس خرد و به‌کارگیری قوه تعقل انجام می‌شود.

ایشان خردورزی و تعقل در همه موارد را لازمه انجام کار می‌داند و نگاه حکیمانه و خردورزانه را لازمه موفقیت در امور می‌داندست (حسینی بهشتی، ۱۳۸۱: ۲۵۷). شهید بهشتی اعتلای تمدن اسلامی را نیازمند تصمیم‌گیری آگاهانه و خردمندانه می‌دانست و هر تصمیمی که به دور از منطق و خرد انجام بگیرد را محکوم به شکست و ناتوانی می‌دانست.

۲-۱. عدالت‌گرایی

شهید بهشتی گذشته از ویژگی‌های اخلاقی بی‌مانند، به‌خاطر قرار گرفتن در جایگاه قضاوت و داوری از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بود و به رعایت عدالت در همه شئون زندگی تعهد داشت. وی بر این باور بود که اصل عدالت از جمله امتیازات برجسته دین اسلام است که تأکید بسیاری بر گسترش و اشاعه آن می‌شود. از نظر ایشان، باید تلاش برای تقسیم عادلانه همه امکانات بهتر زیستن در بین مردم پدید بیاید وگرنه اسلام هم تک‌بعدی خواهد ماند و انقلاب اسلامی همه‌جانبه نخواهد شد (گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا، ۱۲).

شهید بهشتی عدالت‌خواهی و عدالت‌جویی را خصلت فطری انسان‌ها می‌داند و تنها راه پاسخ به این نیاز فطری بشر برای رسیدن به کمال و کرامت انسانی را ایجاد جامعه عادلانه اسلامی می‌داند. وی فقدان عدالت در جامعه را موجب هرج و مرج می‌داند که موجب می‌شود که علم و عقل و اخلاق رشد نکند و جامع در حالت سرگستگی و بی‌هدفی قرار می‌گیرد (علویان و مختاری، ۱۳۹۵: ۹۷ و ۹۹). شهید بهشتی درباره نظام عادلانه اجتماعی می‌گوید: «اگر در جامعه عدالت همه‌جانبه برقرار بود، محیط برای رشد و تکامل فراهم است و روند عمومی حرکت تکاملی جامعه هماهنگ با روند تکاملی کل جهان خواهد بود. درمقابل هر نوع بی‌عدالتی موجب اختلال، فساد، ارتجاع و سقوط می‌شود. از هدف‌های اساسی اسلام برقرار کردن عدل و قسط در جامعه و به‌وجود آوردن اعتدال کامل در امت و جامعه اسلامی است» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۰۴). بنابراین، شهید بهشتی عدالت را از پایه‌های نظام اجتماعی آرمانی اسلامی برشمرده و بر این باور است که انواع عدالت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی با یکدیگر مرتبط هستند و هر عاملی که منجر به بی‌عدالتی در

سطح جامعه شود، سبب فاصله گرفتن از جامعه اسلامی مطلوب می شود (گزیده های دیدگاه های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا: ۱۲-۱۳).

۳-۱. جهان بینی دینی

خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفریده است: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» و این حق به معنای این است که انسان ها «ایدئالیست» نباشند و نگویند این عالم «وهم و خیال» است، بلکه باور داشته باشند که جهان هستی هدف و جهتی دارد. خداوند هم از انسان هایی یاد می کند که با ایمان خود به نظام آفرینش، می اندیشند و می گویند: «خدایا این دستگاه را باطل و عبث نیافریدی». انسان در اندیشه شهید بهشتی، آفریده ای حق گرا و کمال جوست؛ زیرا فطرت انسان با حق پیوندی اصیل دارد. ایشان انسان را فردگرا، اجتماعی، سیاسی، عقلانی، آزاد و کمال پذیر می داند که به دلیل این ویژگی ها بر موجودات دیگر برتری دارد (خوش بیان سروسرستانی و ماهر، ۱۳۹۵: ۳). براساس اندیشه ایشان «در جهان بینی اسلام، انسان، شدنی (فرایندی) است، مستمر و پویا است، خودآگاه، انتخاب گر و خودساز. ما بر این چهار عنوان تأکید داریم. در جهان بینی اسلام، انسان شدن است؛ شدنی است مستمر. همواره یک شدن و پویش است؛ تلاش است پویا است خودآگاه و انتخاب گر؛ انتخاب کننده و خودساز» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۱: ۲۰). در نگاه شهید بهشتی «انسان اسلام انسانی است آزاد و این آزادی را البته رایگان به او نداده اند. این آزادی را به او دادند و به او گفته اند ای انسان! آینده و سرنوشت خودت را بساز. هر خوشبختی و سعادت که به دست انسان ها بیاید، محصول کار آگاهانه خود آنهاست. هر رنج و تیره بختی انسان نیز محصول کار آگاهانه و انتخاب نادرست آنهاست. همراه با این روح الهی که به انسان دادند، مسئولیت کوچکی هم به او دادند؛ گفتند تو با این روح الهی مسئول آن هستی که از لایه های بندها و پیچ و خم هایی که در پیکرت و در رابطه پیکرت با محیط طبیعت و محیط اجتماعی وجود دارد، با اختیار و انتخاب خود راه را به سوی آینده تاریک یا روشن بگشایی. هر که افتخار انسان بودن و حامل روح خدا بودن را می خواهد، باید بار سنگین مسئولیت داشتن و انتخاب کردن را هم به دوش بکشد» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶ ج: ۱۳۵).

از نظر آیت الله بهشتی، نظام هستی و این جهان دارای هدف است، حق است و هدفی که این جهان را حق می‌کند، عمل انسان است، نه خود انسان. شناخت نظام حق از نظر وی دو منبع دارد: یکی منبع علم، آگاهی، اندیشه و عقل بشری، و دیگری منبع الهام و وحی الهی؛ یعنی آنچه می‌تواند به انسان «حق را بشناساند، یکی اندیشه مستقیم است و دیگری وحی محکم متقن» (گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا، ۲۱).

انسان در این نظام، محور و احسن است و همه آسمان‌ها و زمین برای گزینش آزادانه و آگاهانه عمل برتر و حسنه انسان تمهید شده است و چون انسان باید مطابق آیین و مقررات الهی به مسابقه نیکو برسد، هیچ محدودیتی، که مظهر باطل و ظلم است، در مسیر او نباید ایجاد شود؛ از این رو انسان در این جهان، در پی حق می‌گردد و منبع شناخت دین حق، عقل و وحی است؛ پس انسان مانند نظام هدف‌دار است و هدف او حق‌پرستی و تسلیم در برابر حق است (گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا، ۲۷).

۴-۱. اخلاق‌گرایی

شهید بهشتی ضمن تقید شخصی به اصول و ارزش‌های اخلاقی در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی با پیروی از اسلام ناب، بر اخلاق‌محور بودن رفتار اجتماعی افراد جامعه تأکید داشت. وی برقراری ارزش والای اسلامی را در گرو حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی در همه شئون زندگی اجتماعی می‌دانست و جامعه‌ای که از ارزش‌های اخلاقی دور باشد را نفی می‌کرد. او بر رعایت اخلاق در جامعه تأکید بسیاری داشت (گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا، ۲۱).

از نظر شهید بهشتی، جامعه ایده‌آل یعنی جامعه نمونه اسلامی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و الهی است که در آن، اسلام و آموزه‌های آن و مکام اخلاقی محور اساسی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باشد. شهید بهشتی در این باره بیان می‌کند: «اخلاق اجتماعی اسلام اخلاق مهر و کین با هم است. اخلاق تبری و تولی با هم است. انسان نرم مزاج سراپا محبت نسبت به همه انسانی نیمه‌تمام است از نظر اخلاق اسلام» (گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی شهید بهشتی، بی تا، ۱۲).

۵-۱. کلان‌نگری

شهید بهشتی به مسائل نگاهی محدود نداشت. وی مسائل را در ابعاد جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داد. نگرش وی به سامان‌دهی مرکز اسلامی هامبورگ و ارتباط وی با انجمن‌های اسلامی فعال در اروپا از روشن‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌های فعالیت فرهنگی و سیاسی ایشان بود. شهید بهشتی به‌گونه‌ای فراگیر و جهانی می‌کوشید تا با مجموعه‌ای از مبارزان مسلمان ایرانی در سراسر جهان ارتباط برقرار کند. شهید بهشتی در آلمان، به تدریج متوجه تغییرات سیاسی در جهان و منطقه، به‌ویژه در خاورمیانه، شد و از آن برای انقلاب اسلامی بهره برد. ایشان در مدت اقامت خویش در مرکز اسلامی هامبورگ به مسائل آموزش، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی و تبلیغ برای فرهنگ نوین شیعه می‌پرداخت؛ به‌گونه‌ای که شکوفاترین دوران حیات این مرکز دوره ایشان بود که حتی برخی از افراد موسوم به کنفدراسیون و چپ سیاسی نیز تحت تأثیر مذاکره و فعالیت‌های شهید بهشتی قرار گرفتند و از آن یاد کردند (پورمحسن، ۱۳۸۶: ۵۷).

۶-۱. مردم‌سالاری دینی

در اندیشه شهید بهشتی، مردم در همه امور کشور سهیم‌اند و دراصل، یکی از آموزه‌های اساسی و مهم اسلام توجه به امور دیگر مسلمانان است. سکوت و مشارکت نداشتن در امور اجتماعی مسلمانان کاری نکوهیده و ناپسند و حتی در ردیف نامسلمانی ذکر شده است (اطهری و درودی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

نظام جمهوری اسلامی ایران طبق الگوی شهید بهشتی به‌عنوان نظام امت - امامت شناخته می‌شود. ولی فقیه دارای شرایط در این نظام بالاتر از همه قرار می‌گیرد؛ ولی این مردم هستند که باید پذیرای امام باشند. نظام اسلامی از نوعی نظام اقتصادی، که زیربنای اسلامی دارد، برخوردار است و تأمین‌کننده منافع طبقه‌ای خاصی نیست، بلکه تأمین‌کننده منافع همه مردم است. در این جامعه، تصمیم‌های اداره کشور با هم‌فکری و هم‌دلی دولت و مردم صورت می‌گیرد و دولت هم به‌عنوان کارگزاری در مقابل کارگزاران جامعه مدنی، دست به کنش و واکنش می‌زند و رابطه‌ای دوسویه بین دولت و مردم برقرار می‌شود (انصاری و خدایی‌دشتی، ۱۳۹۶: ۱۳).

شهید بهشتی اداره جامعه به صورت قیم مآبانه و یا توسط توده مردم را نفی می کرد و روش اداره جامعه را براساس مکتبی توصیه کرد که خود آن جامعه پذیرفته است. ایشان به حاکمیت مکتب برگزیده ازسوی مردم بر همه ارکان باور داشت. در چنین مکتبی مردم آزادند درباره مسئولان و عملکرد آنان در همه بخش ها اظهار نظر کنند؛ به طوری که ایشان بیان می دارد: «حکومت و قدرت برای خدمت است و تنها حکومت و قدرتی که در جهت خدمت خالصانه به مردم باشد مشروعیت دارد و حکومت و قدرتی که در این جهت نباشد، مشروعیت ندارد» (مهاجری، ۱۳۷۵: ۲۹ - ۳۴).

وی باور داشت که حکومت باید براساس آرای مردم باشد و قدرت خویش را از مردم بگیرد که به این طریق، هم از مشروعیت سیاسی و هم از مقبولیت عمومی برخوردار باشد. ایشان بر نقش و قدرت مهم مردم در حکومت تأکید ویژه ای داشتند؛ به طوری که بر این باور بود که مردم در شکل گیری حکومت و نظارت بر دولت مردان و اداره جامعه سهیم اند و باید هرگونه انحراف و کژروی را تذکر دهند (هدایت نیا گنجی، ۱۳۸۲: ۴۳).

۷-۱. قانون مداری

شهید بهشتی به سختی از مسئولانی که از جامعه فاصله می گرفتند و قصد حکومت بر جامعه داشتند، بیزار بود. ایشان قانون مداری را به عنوان اصلی ضروری می دانست؛ درواقع جامعه متمدن از نظر وی جامعه ای بود که در آن همه مردم و مسئولان به طور کامل به قانون وفادار باشند (زمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

در بینش و نگرش شهید بهشتی، فعالیت همه احزابی که چهارچوب قانون اساسی را رعایت کنند در نظام جمهوری اسلامی ایران آزاد است: «تشکیل احزابی که قانون اساسی را رعایت کنند، آزاد است» و نیز گروه های سیاسی که این مواضع مشخص در قانون اساسی و قوانین مجرد را که پس از انقلاب تصویب شده، رعایت نکنند، آزادی و فعالیت شان و افرادشان محترم خواهند بود و هست، بنابراین، تنها مبنای معتبری که برای فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مطرح می شود، قانون است (واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱: ۵۵۴).

۸-۱. جایگاه ولایت فقیه در رهبری جامعه

در اندیشه سیاسی شهید بهشتی مسئله ولایت فقیه جایگاه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که اصل پنجم قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به وسیله شهید بهشتی تنظیم و تدوین شده است. شهید بهشتی باور داشت که انتخاب رهبر برعهده فقیهان است و رهبری باید در دست ولایت فقیه باشد. ایشان پیاده‌سازی این دیدگاه را در تأسیس حزب جمهوری دانست و در این زمینه، جامعه مکتبی را قبول داشتند و بر این باور بودند که جامعه مکتبی جامعه‌ای است که براساس امامت و ولایت فقیه اداره می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۹۴ و ۲۹۵).

نتیجه‌گیری

آیت‌الله بهشتی همواره به عنوان فردی مبارز و انقلابی در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور داشت. شهید بهشتی با دید جامعی که داشتند، افزون بر اینکه در پی دانش‌اندوزی و کسب علم و دانش بودند، در زمینه عمل نیز حضور جدی و مستمر در فعالیت‌های سیاسی و مبارزات انقلابی و روحانیت و حوزه داشتند؛ این سبب شد به جایگاه و مقام ویژه‌ای دست یابند. بی‌شک حرکت نظام جمهوری اسلامی برای دستیابی آرمان والا «ایجاد تمدن نوین اسلامی» مرهون تلاش‌های بزرگ مردانی همچون شهید بهشتی که به عنوان «توزیع‌کنندگان جنبش» نقش اساسی در انتقال افکار و اندیشه‌های امام علیه السلام داشتند.

اندیشه و جوهره فکری شهید بهشتی برگرفته از اسلام و آموزه‌های اسلامی است که به پیروی از امام خمینی علیه السلام به هدایت انقلاب و روشنگری سیاسی و دینی می‌پرداخت و در برابر انحراف‌ها و کژی‌ها ایستادگی می‌کردند. ایشان با وجود محدودیت‌ها و فشارهایی که در دوران حیات خویش داشتند، هرگز دست از تلاش برنداشتند و در دوران حیات خدمات ارزشمندی را برای انقلاب اسلامی انجام دادند و آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشتند. ایشان با آموزه‌های خویش نقش تأثیرگذاری بر بیداری مردم و حرکت تمدن‌ساز انقلاب اسلامی داشته است. شهید بهشتی با باور به اینکه حکومت جمهوری با مبانی اسلام سازگار است، جایگاه ولایت فقیه در جامعه و حکومت اسلامی را ویژه و بااهمیت می‌دانست، به گونه‌ای که اصل پنجم قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ ش. نیز به وسیله شهید بهشتی تنظیم و

تدوین شد. ایشان با وجود داشتن فعالیت‌های سیاسی، شخصیت فقهی ممتاز زمانه بود و به تألیف آثار فقهی و آموزش و تعلیم آن مبادرت می‌ورزید.

براین اساس، باید گفت شهید بهشتی با تبیین دقیق و به عبارت کامل‌تر، فردی اسلام‌شناس اصیل و ناب بود که در زمینه گسترش ابعاد گوناگون سیاسی تمدن‌سازی اسلامی نقش ایفا کرد. همچنین به عنوان لندیشمند و نظریه پرداز مسلمان و هم به عنوان چهره‌ای عملگرا، در دو بُعد نظری و عملی نقش مؤثری در غبارزدایی از چهره دین در روزگاری که ایسم‌های گوناگون، تهاجم سنگینی را علیه اسلام آغاز کرده بودند، داشت. نتیجه این دو بُعد فعالیت و نقش ایشان و همراهی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدسی بود که «ایجاد تمدن اسلامی» اساسی‌ترین آرمان بلند آن است.

کتابنامه

قرآن کریم.

صحیفه سجاده.

اطهری، سیدحسین و درودی، مسعود. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی آزادی از نگاه امام خمینی (ره) و آیت الله شهید بهشتی. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۳ (۹)، ۹۱-۱۰۸.

انصاری، منصور و خدائی داش تپه، توحید. (۱۳۹۶). رابطه دولت و مردم در جوامع اسلامی در اندیشه سیاسی شهید بهشتی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه اندیشه

سیاسی در اسلام، ۴ (۱۲)، صص ۸۸-۶۳. Dor: <https://doi.org/10.22070/nic.2019.915>

بایرامی، سمانه. (۱۳۸۹). مبارزات سیاسی آیت الله بهشتی. فصلنامه مطالعات تاریخی، ۸ (۲۹)، ۹۲-۱۱۳.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»،

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32895>، دسترسی در: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

پورمحسن، سمر. (۱۳۸۶). آموزش و سازماندهی در طوفان انقلاب نگاهی به برخی خصوصیات شخصیتی، مدیریتی، آموزشی و سیاسی شهید آیت الله بهشتی، سوره اندیشه، ۳۳، ۵۹-۵۶.

تقی‌زاده، بیژن. (۱۳۸۸). بازخوانی ادعای برتری جویانه و نژادپرستانه قوم یهود از منظر آیت الله

شهید بهشتی، فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد، ۶ (۲۰)، ۳۰۴-۳۲۳.

حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۰). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: بقیه.

- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۱). آزادی، هرج و مرج و زورمداری. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۳). ولایت، رهبری، روحانیت. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۴ الف). موسیقی و تفریح در اسلام. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۴ ب). نماز چیست؟. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۵ الف). سه گونه اسلام. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۵ ب). شور شگرف حق باوری شهید بهشتی در آئینه روایت خود. شاهد یاران، ۸، ۸-۱۰.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۶ الف). شناخت اسلام. تهران: بنیاد نشرآثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۶ ب). بانکداری، ربا و قوانین مالی در اسلام. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۶ ج). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۷). محیط پیدایش اسلام. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰ الف). پیامبری از نگاهی دیگر. بنیاد نشرآثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، تهران: روزنه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰ ب). حج در قرآن. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰ ج). خدا از دیدگاه قرآن. تهران: بقیه.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۵). در وجود آیت‌الله بهشتی لطایفی بود که همه را جذب می‌کرد: کارنامه علمی و عملی شهید بهشتی در گفت‌و شنود با رهبر معظم انقلاب. شاهد یاران، ۸، ۳-۷.
- خوش‌بیان سروسنانی، امین و ماهر، مهرو. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه حزب در اندیشه شهید بهشتی. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲ (۲/۱)، ۱-۶.
- زمانی، امین. (۱۳۹۷). بررسی نسبت عدالت و حکمرانی خوب در اندیشه نوگرایان دینی ایران (امام خمینی، شهید بهشتی، شهید مطهری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج.
- شفیعی، مهدی. (۱۳۹۹). نقش روحانیت در فرایند تمدن‌سازی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم.
- عابدی اردکانی، محمد و نظری، محمدعلی. (۱۳۹۴). جامعه اسلامی و ماهیت رهبری در اندیشه سیاسی شهید بهشتی با تأکید بر نظریه امامت و امت. فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۳ (۷)، ۱۱۵-۱۳۷.

علویان، مرتضی و مختاری، جمال. (۱۳۹۵). مساله عدالت در آرا جان رالز و شهید بهشتی.

فصلنامه سیاست‌پژوهی، ۳ (۵)، ۹۳-۱۰۵. Doi: 10.2783.4999/QJPR.2003.1105.054

فیرحی، داود. (۱۳۹۱). رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی (نظریه امت و امامت).

فصلنامه سیاست، ۴۲ (۱)، ۲۸۷-۳۱۰. Dor: 10.22059/jpq.2012.29941

کردی، علی. (۱۳۸۵). زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله بهشتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

گزیده‌های دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی شهید بهشتی. (بی تا). انتشارات خط فرهنگی. لک‌زایی، شریف. (۱۳۹۱). نهادگرایی در اندیشه و عمل شهید بهشتی. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱ (۳)، ۱۶۷-۱۴۵.

مروی، هادی. (۱۳۹۲). شهید مظلوم آمیزه‌ای بود از ابهت و لطافت: جلوه‌هایی از سلوک اخلاقی شهید آیت‌الله شهید بهشتی در گفت‌و شنود (شاهد یاران) با مرحوم حجت الاسلام والمسلمین هادی مروی. شاهد یاران، ۱۰۱، ۴۳-۴۴.

مهاجری، مسیح. (۱۳۷۵). مدیریت و رهبری از دیدگاه شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی. مصباح، ۶ (۱۸)، ۲۷-۵۴.

واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی. (۱۳۶۱). بهشتی اسطوره‌ای بر جاودانه‌ی تاریخ (راست قامت‌ان جاودانه‌ی اسلام). دفتر سوم، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

نخعی زرنندی، نصرالله؛ مهرباب پناه، معین و معین‌آبادی، حسین. (۱۳۹۸). واکاوی دیدگاه‌های سیاسی شهید بهشتی بر اساس روش‌شناسی توماس اسپریگنز. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۶ (۱۹)، ۵۶-۳۳.

هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله. (۱۳۸۲). مونارشیسم و جمهوریت تک سالار طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی از نگاه شهید بهشتی. زمانه، ۱۴، ۳۶-۴۴.